

## زمینه‌های شکل‌گیری موج جدید اعتراضات در عراق (2019)

جواد مددی<sup>1</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره 3، پیاپی 79، پاییز 1398؛ صفحات 174-149

تاریخ پذیرش نهایی: 1398/10/25

تاریخ دریافت: 1398/10/10

### چکیده

از ۱۰ آبان ۱۳۹۸، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین موج اعتراضات مردمی در شهرهای مرکز و جنوب عراق در سال‌های بعد از ۱۳۸۱ تاکنون آغاز شده است. حجم اعتراضات و خواسته‌های وسیع معترضان برای کناره‌گیری دولت و ایجاد تغییرات به‌گونه‌ای است که بررسی زمینه‌های شکل‌گیری این اعتراضات را به مسأله‌ای مهم تبدیل کرده است. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های ناتوانی و بحران اقتصادی در عراق بعد از ۱۳۸۱ به‌ویژه در سال‌های بعد از ظهور داعش (۱۳۹۳) به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه مطرح شده که می‌توان آن را موتور محرکه اعتراضات معرفی کرد. با این وجود، عامل اقتصادی را نمی‌توان در مقام یگانه عامل دانست، بلکه در کنار این عامل نرم، باید به عواملی همچون نبود نیروی نظامی یکپارچه و چنددستگی در آرایش نیروهای امنیتی - نظامی، وجود شکاف‌های فرقه‌ای و قومی، بحران مشروعیت و کارآمدی دولت و دخالت کشورهای خارجی اشاره کرد. در واقع، می‌توان «دولت» را در سیر اعتراضات کنونی عراق به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر معرفی کرد، به این دلیل که اساساً امنیت و ثبات در منطقه غرب آسیا «دولت‌محور» است. از این‌رو، مسئولیت اصلی در ایجاد زمینه‌های بحران و هم در حل و فصل اعتراضات را می‌توان بر عهده دولت و کارکرد آن در زمینه‌های مختلف امنیتی، نظامی، کارآمدی اجتماعی - سیاسی، وحدت‌بخشی، تولید محتوای فرهنگی در مسیر ایجاد وحدت و ناتوانی در مسیر ایجاد توسعه و رفاه اقتصادی دانست و مورد ارزیابی قرار داد. به‌رغم همه اینها، پس از گذشت مدت زمانی کوتاه از آغاز اعتراضات شاهد دخالت‌هایی خارجی در راستای تهییج مردم و افزایش موج تظاهرات‌ها بوده‌ایم.

### واژگان کلیدی

اعتراضات خیابانی، عراق، بحران اقتصادی، توسعه نامتوازن، داعش‌یسم ذهنی، بحران مشروعیت، بحران کارآمدی.

1. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، پژوهشگر مسائل خاورمیانه

## مقدمه

در تاریخ ۹ مهر ۱۳۹۸ چند تن از دانشجویان فارغ‌التحصیل بیکار با تجمع در میدان التحریر بغداد، جرقه اعتراضاتی را زدند که می‌توان از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین و دامنه‌دارترین اعتراضات نه تنها در تاریخ عراق جدید (بعد از سال ۱۳۸۱)، بلکه در سراسر تاریخ تشکیل دولت عراق (بعد از سال ۱۳۰۲ تا کنون) یاد کرد. در سال ۱۳۸۱، بعد از حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق، وعده «جورج بوش»، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا و «تونی بلر»، نخست‌وزیر وقت دولت انگلستان، در همان دقایق اولیه بعد از تصرف کاخ ریاست جمهوری در بغداد، این بود که دموکراسی، صلح، ثبات، رونق اقتصادی و آرامش روانی به جامعه عراق هدیه داده خواهد شد.

قرار بر این بود که مدل دموکراسی و نظام سیاسی فدرال عراق در مقام عروس خاورمیانه به کل جهان به‌ویژه به کشورهای منطقه عرضه شود، اما نه تنها این امر محقق نشد، بلکه با گذشت بیش از ۱۵ سال از پایان دیکتاتوری رژیم صدام، شاهد آغاز دور جدیدی از بحران فراگیر و دامنه‌دار در کشور عراق هستیم. هر چند طی سال‌های اخیر شاهد اعتراضات گاه و بی‌گاه شهروندان عراقی بودیم، اما اعتراضاتی با این حجم و این مدت زمان در میان رخدادهای اخیر هیچ‌گاه معطوف به سابقه نبوده است.

معترضان با کمیت و کیفیت مختلف در روزهای بعد از ۹ مهر ۱۳۹۸ تا کنون با تجمع در شهرهای مرکز و جنوب عراق که می‌توان از آنها به‌عنوان کانون قدرت سیاسی جدید عراق یاد کرد، گردهم آمده و با متوسل شدن به ابزارهای مختلف، خواست خود را مبنی بر تغییر وضعیت جاری کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... ابراز می‌کنند.

اکنون این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اعتراضات عراق دارای چه مؤلفه‌هایی است و هر کدام از این مؤلفه‌ها چه تأثیری بر تقویت و گسترش موج اعتراضات در این کشور داشته‌اند؟ در راستای پرداختن به این پرسش اساسی در نوشتار حاضر با تکیه بر نظریه امنیت «لی‌نور جی. مارتین»، تحت عنوان «امنیت منطقه‌ای غرب آسیا»، چارچوبی پنج سطحی برای تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات در کشور عراق ارائه شده است.

در واقع، مارتین الگویی جدید را برای خوانش مسائل منطقه غرب آسیا ارائه می‌کند که بر اساس آن «دولت همچنان مهم‌ترین واحد عمل‌کننده در منطقه غرب آسیا است»، به‌عنوان سطح اصلی تحلیل و کانون اصلی سیاست‌گذاری در مورد مسائل مربوط به امنیت



ملی در نظر گرفته شده است و به همین دلیل هدف اصلی تهدیدها، «امنیت ملی دولت» می‌باشد. اگر دولت حاصل سه عنصر سرزمین، رژیم و جامعه دانسته شود، می‌توان با تبیین تهدیدهای که متوجه این عنصر است، متغیرهای مستقل امنیت کشور را برگزید. کل تهدیدهای متوجه دولت به دو دسته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم می‌شوند. تهدیدات سخت‌افزاری (تهدید نظامی) سه عنصر (سرزمین، جمعیت و حکومت) را هدف قرار می‌دهد؛ اما تهدیدات نرم‌افزاری که در الگوی مارتین شامل مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی، مدارای مذهبی - قومی و دسترسی به منابع طبیعی حیاتی می‌باشد، الزاماً سه مؤلفه تشکیل دهنده دولت را مورد هدف قرار نمی‌دهند.<sup>1</sup>

بر اساس این الگو، پنج عامل بحران اقتصادی، ناتوانی نظامی و امنیتی، بحران مشروعیت و کارآمدی دولت، شکاف‌های فرقه‌ای و قومی و ناتوانی دولت در تأمین منابع حیاتی زندگی شهروندان عراقی زمینه‌های اصلی و محوریت بخش اعتراضات ۹ مهر هستند. با این اوصاف، عامل اصلی و محوری در میان این عوامل پنج‌گانه را می‌توان در زمینه اقتصادی دانست که به‌نوعی در گسترش و افزایش تأثیرات دیگر زمینه‌ها تأثیری غیر قابل انکار بر جای گذاشته است.

اکنون با لحاظ کردن این پنج مؤلفه کلیدی، تلاش پژوهش پیش رو بر این است که هر یک از آنها را به‌عنوان زمینه‌های بحران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در واقع، استدلال اصلی نوشتار این است که هر کشوری که در منطقه غرب آسیا در پی ایجاد ثبات و استقرار امنیت باشد باید در مؤلفه‌های پنج‌گانه «لی‌نور جی مارتین» سطحی از هماهنگی و تناسب را داشته باشد. هر چند در این میان، مهم‌ترین مؤلفه را می‌توان نقش ویژه دولت و متعاقب آن، نیروهای امنیتی در حفظ امنیت و ثبات ارزیابی کرد، اما در کنار آن ضرورت دارد که مؤلفه‌های نرم قدرت در هر کشوری نیز لحاظ شود. افزون بر این پنج عامل، محور دیگری که می‌توان از آن به‌عنوان زمینه‌ای برای تشدید و حتی شکل‌گیری اعتراضات در کشور عراق یاد کرد در ارتباط با عامل دست‌های پنهان خارجی است که در مقام محور ششم در ادامه نوشتار بررسی می‌شود.

1. لی‌نور جی. مارتین، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1389، 43-49.



## 1. ناتوانمندی و بحران اقتصادی فراگیر در کشور عراق

بدون تردید، مهم‌ترین عامل آغاز اعتراضات و حتی در سطحی گسترده‌تر بی‌ثباتی در کشور عراق را در سال‌های بعد از ۱۳۸۱ می‌توان در بحران اقتصادی و ناتوانمندی دولت در بهبود رفاه و توسعه اقتصادی ارزیابی کرد. هر چند عراق در سطوح مختلف با شکاف‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مواجه است، اما اکنون اقتصاد به پاشنه آشیلی تبدیل شده که دیگر سطوح را تحت تأثیر خود قرار داده است. برای نمونه، نارضایتی مردم از وضعیت رفاه عمومی و تأمین نیازهای حیاتی در نتیجه عامل اقتصادی است. همچنین عدم اعتماد عمومی شهروندان به کارآمدی دولت و نخبگان سیاسی در حل بحران‌ها در نتیجه بحران‌های انباشته شده در زمینه اقتصادی است که موجب شده مردم به همه آنها در مقام مفسدان اقتصادی نگاه کنند.

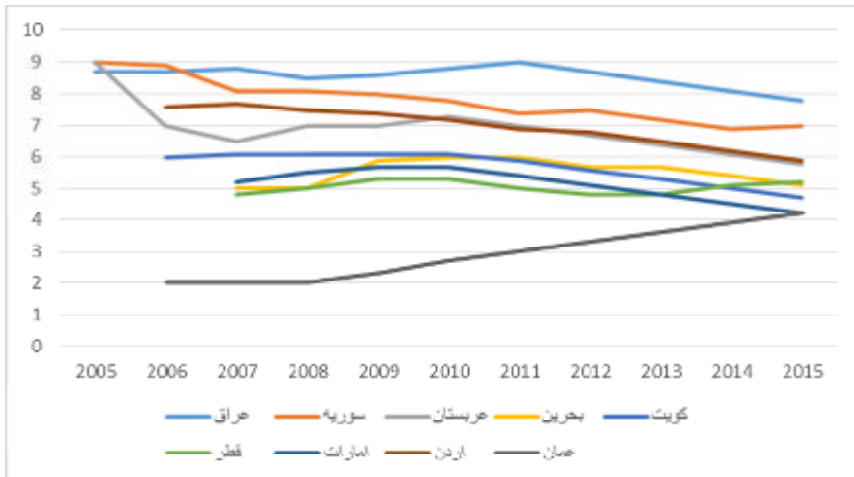
علاوه بر این، گرایش مردم به سوی خشونت و افراط‌گرایی نیز در نتیجه همین عامل ساختاری در جامعه عراق است، اما این بدین معنا نیست که بحران اقتصادی در کشور عراق تمام ماجرا بوده و عوامل دیگر تأثیری ندارند. با این مقدمات در بررسی موضوع بحران اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین زمینه اعتراضات عراق که بخش اصلی نوشتار نیز به آن اختصاص دارد، می‌توان به سه محور زیر اشاره کرد:

### 1-1. توسعه اقتصادی نامتوازن

نخستین عنصر ناکامی اقتصادی دولت عراق در داخل را «توسعه اقتصادی نامتوازن» شکل می‌دهد که تأثیری عمیق در شکل‌گیری و آغاز اعتراضات در این کشور داشته است. ارائه تصویر روشنی از وضعیت اقتصادی عراق در شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن، نیازمند رویکردی مقایسه‌ای است تا بتواند درکی بهتر از این مؤلفه را نشان دهد. در همین راستا، از شاخص دولت‌های شکننده<sup>۱</sup> در بنیاد صلح، بخش توسعه اقتصادی نامتوازن به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌شود. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است؛ بدین معنا که هر چه کشوری در وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه اقتصادی متوازن داشته و اقتصادی پویا در داخل با بهره‌مندی همه گروه‌ها، جناح‌ها و مناطق و نیز عدم اختلاف شدید درآمدی میان

دهک‌های بالا و پایین را نشان می‌دهد. در مقابل، هر چه امتیاز کشوری در این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، آن کشور از وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن شدید رنج می‌برد، اختلاف شدیدی میان درآمد دهک‌های بالا و پایین وجود دارد، تبعیض شدیدی میان خدمات شهری و روستایی و نیز دسترسی به خدمات متری در مناطق مختلف مشاهده می‌شود. برای این شاخصه تلاش می‌شود تا با الهام از بنیاد صلح و شاخص‌های شکنندگی، ۹ کشور خاورمیانه‌ای که عراق هم یکی از آنها است در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴، در قالب یک نمودار مورد بررسی قرار گیرد. ۱.

مقایسه توسعه اقتصادی نامتوازن عراق و هشت کشور خاورمیانه از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴



چنانچه از نمودار بالا به دست می‌آید، این ۹ کشور، از وضعیت متفاوتی در شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن برخوردار هستند. کشور عراق از امتیاز ۰ تا ۱۰ که به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است، در کنار سوریه و تا حدودی عربستان و اردن جزئی از کشورهای بسیار شکننده خاورمیانه در این شاخص هستند. البته عراق بدترین امتیازها را در این سال‌ها دارد. بهترین کشور خاورمیانه در این شاخص نیز عمان است. حال به ترتیب سال، امتیاز عراق از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ بدین صورت است: ۱۳۸۴ (۸/۷)، ۱۳۸۵ (۸/۷)، ۱۳۸۶ (۸/۵)، ۱۳۸۷ (۸/۵)، ۱۳۸۸ (۸/۶)، ۱۳۸۹ (۸/۸)، ۱۳۹۰ (۸/۷)

(9)، 1391 (8/7)، 1392 (8/4)، 1393 (8/1)، 1394 (7/8).<sup>1</sup>

توسعه اقتصادی نامتوازن با برخورداری بخش‌هایی از جمعیت و جناح‌ها از توسعه و رفاه اقتصادی و عدم بهره‌مندی سایر بخش‌ها در این کشور، علاوه بر نشانی از فساد و تبعیض اقتصادی، نمودی از ناکامی دولت این کشور در عرصه داخلی در برآوردن یک اقتصاد دموکراتیک است که بتواند به همه شهروندان رسیدگی کند و رفاه را برای آنها به ارمغان آورد. به عبارتی، داشتن بالاترین نرخ توسعه نامتوازن در میان همه کشورهای عرب منطقه، خود نشان‌گر این مسأله است که نارضایتی‌های معترضان از فساد افسارگسیخته و تبعیض‌های اقتصادی تا چه اندازه زمینه‌ساز اعتراضات اخیر بوده است.

## 1-2. افول اقتصادی شدید

افول اقتصادی شدید دیگر عنصر نشان‌دهنده ناکامی دولت عراق در سال‌های بعد از 1381 است که تأثیری چشم‌گیر در شکل‌گیری اعتراضات اخیر داشته است. «به لحاظ تاریخی و تا پیش از حمله سال 1381 به عراق، وضعیت اقتصادی این کشور دچار افول اقتصادی شدیدی بود. در دوران حکومت صدام حسین، عراق یک اقتصاد دستوری مرکزی داشت. بسیاری از مبانی صنعتی که حاصل یارانه‌های سنگین دولتی بود، به واسطه حمله مستقیم در جنگ ایران و عراق، دو جنگ خلیج [فارس]، یا ناشی از غفلت حکومت، ویران شده بودند. پس از سال 1370، عراق دچار کاهش فزاینده تولید ناخالص داخلی<sup>2</sup>، تورم مزمن<sup>3</sup>، کاهش ارزش پولی، به‌ویژه عدم وجود سرمایه خارجی و تجمیع بار بدهی‌ها شد. تخمین زده می‌شد که درآمد سرانه عراق از 4900 دلار در سال 1369 به 700 دلار در پایان سال 1380 رسیده است. بسیاری از مشاغل دولتی بیش از 6 دلار در ماه دریافت نمی‌کردند»<sup>4</sup>؛ این وضعیت عراق تا پیش از سال 1381 که آمریکا به این کشور حمله کرد، ادامه یافت.

با این مقدمه، می‌توان گفت برای درک وضعیت اقتصادی عراق در سال‌های بعد از 1381، در شاخصه افول اقتصادی، معیارهای مختلفی وجود دارد که می‌توان به وضعیت

1. Fund for peace, Ibid
2. gross domestic product
3. chronic inflation
4. Pauline, Baker. H, Iraq as a Failed State: A Six Month Progress Report, The Fund for Peace, Washington, D.C. Available at: [www.fundforpeace.org](http://www.fundforpeace.org), 2003



شاخص تولید ناخالص داخلی، تورم، ارزش پولی، سرمایه‌گذاری خارجی و سرانه تولید ناخالص داخلی استناد کرد، اما به‌طور اختصار، یکی از شاخصه‌ها یعنی سرانه تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در یک تعریف ساده، کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند. حال برای محاسبه سرانه تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی کشور را بر جمعیت تقسیم کرده و عدد به دست آمده همان درآمد سرانه کشور است.<sup>۱</sup> بر همین اساس، سرانه تولید ناخالص داخلی در عراق، به ترتیب از سال‌های ۱۳۸۵ به دلار (۴۱۴۰/۸)، ۱۳۸۶ (۴۰۹۳/۵)، ۱۳۸۷ (۴۳۱۸)، ۱۳۸۸ (۴۳۴۳/۶)، ۱۳۸۹ (۴۴۸۷/۴)، ۱۳۹۰ (۴۶۴۷/۶)، ۱۳۹۱ (۵۱۵۰)، ۱۳۹۲ (۵۳۰۳/۴)، ۱۳۹۳ (۵۳۰۳/۵) و در سال ۱۳۹۴ (۴۹۶۳/۱) دلار بوده است. ۲. نمودار این بخش به شکل زیر است:

سرانه تولید ناخالص داخلی عراق



در ارتباط با این نمودار باید گفت که اگرچه روندی تصاعدی و روبه افزایش را نشان می‌دهد، اما اقتصاد عراق با چالش‌ها و فشارهای متعددی روبرو است. کاهش قیمت نفت و

۱. تعریف مفاهیم اقتصادی / تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه، قابل دسترس در:

- <http://banki.ir/bank-ha/21429>

2. <http://www.tradingeconomics.com/iraq/gdp-per-capita>

نیازهای مالی ناشی از حضور داعش باعث وخامت شدید فعالیت‌های اقتصادی، امور مالی عمومی و موازنه پرداخت‌ها شده است. حکومت با چالش‌های حفظ ثبات اقتصاد کلان، انجام اصلاحات ساختاری در راستای بهبود ارائه خدمات عمومی و بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی مواجه است. سرانه تولید ناخالص داخلی عراق در سال ۱۳۹۳، این کشور را در دسته‌بندی کشورهایی با درآمد متوسط به بالا قرار داده، اما با این حال، شرایط اقتصادی و امنیتی آن از نیمه سال ۱۳۹۳ بدتر شده است. تخمین زده می‌شود که سرانه تولید ناخالص داخلی برای سال ۱۳۹۴ به میزان ۵ هزار دلار باشد. رشد اقتصادی که در سال ۱۳۹۳، حدود ۲/۵ درصد بوده، در سال ۱۳۹۴، با ۰/۵ درصد افزایش روبرو شد. رشد ضعیف اقتصادی، کاهش قیمت نفت و بحران داعش در ترکیب با بی‌ثباتی سیاسی در سال ۱۳۹۳، بر بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری اثر گذاشته و حکومت را در سرمایه‌گذاری به‌ویژه در پروژه‌های سرمایه‌ای، محدود کرده است. کاهش چندباره قیمت نفت، از نیمه دوم سال ۱۳۹۳، عامل کاهش عواید صادرات نفت بوده است. تحلیل‌گران بر این باور بودند که کسری مالی از ۵/۳ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۹۳ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۴ افزایش یافته است (world bank, 2015).

در سطحی دیگر، در سال‌های بعد از ۱۳۹۳ روندی نزولی بر نرخ تولید ناخالص داخلی عراق حاکم شده است. در واقع، تولید ناخالص داخلی (GDP) یکی از مهم‌ترین معیارهای اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی و نیز بیانگر سطح درآمد (مصرف) افراد در هر کشور می‌باشد. آمار تولید ناخالص داخلی به‌عنوان مبنایی برای پیش‌بینی توسعه اقتصاد کلان و بخش‌های اقتصادی به کار می‌رود. با نظر به این تفاسیر، تولید ناخالص داخلی عراق در سال‌های بعد از ظهور داعش به شکل زیر بوده است:

سال	میزان تولید ناخالص داخلی	آهنگ تغییر
1393	234/65	0/01
1394	177/72	-24/26
1395	175/15	-1/12
1396	195/47	11/60
1397	224/23	14/71

تولید ناخالص داخلی عراق در سال‌های بعد از ۱۳۹۳



میزان تولید ناخالص داخلی عراق در سال ۱۳۹۳ و سال‌های بعد از آن نشان می‌دهد که دولت عراق در سال‌هایی که درگیر جنگ با داعش بوده با کاهش درآمدها مواجه شده است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۴، رکورد منفی ۲۴ درصد برای دولت عراق ثبت می‌شود. این روند با آهنگی ملایم‌تر در سال ۱۳۹۵ ادامه پیدا کرد، اما در سال ۱۳۹۶ با توجه به افزایش صادرات نفت عراق و نزدیک شدن به پایان داعش به‌وضوح نمایان است که تولید ناخالص داخلی عراق با رشدی فزاینده همراه بوده است.

علاوه بر سنجش و بررسی مؤلفه تولید ناخالص داخلی ضروری است که در نگاهی دقیق‌تر پایه سرانه تولید ناخالص داخلی کشور عراق در سال‌های بعد از ۱۳۹۳ بررسی شود. در ابتدا ضروری است به این مسأله توجه شود که از لحاظ پایه سرانه، عراق یکی از ضعیف‌ترین و فقیرترین کشورهای منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود. گفتنی است تولید ناخالص داخلی سرانه در کشور عراق در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۹۵ به‌طور میانگین ۳۱۴۳ دلار بوده است.

سال	ارزش	آهنگ تغییر
1394	5047	-24/72
1395	4843	-4/05
1396	5263	-8/69
1397	5882	11/75

پایه سرانه شهروندان عراقی از تولید ناخالص داخلی عراق در سال‌های بعد از 1393 (بر اساس دلار)<sup>۱</sup>

با توجه به آمار ارائه شده در جدول بالا به‌وضوح می‌توان دریافت که در سال ۱۳۹۳، یعنی همزمان با آغاز بحران داعش در کشور عراق، اولین پس‌لرزه‌ها به اقتصاد ملی عراق وارد شده و در همین سال با رشد منفی ۲ درصدی مواجه شد، اما ضربه اصلی زمانی بر کشور عراق وارد شد که در سال ۱۳۹۴ پایه سرانه شهروندان عراقی با آهنگ منفی ۲۴ درصدی به ۵۰۴۷ دلار رسید. این مسأله تا حدود زیادی موجب نگرانی دولت عراق شد و حتی دولت برای جبران این بحران دست به گریبان بهره‌گرفتن از صندوق ذخیره ارزی کشور شد. با این وجود، آهنگ منفی رشد با سرعتی کمتر در سال ۱۳۹۵ نیز ادامه پیدا کرد و پایه

com/ atlas/ Iraq/ GDP

1. Ibid

سرانه کشور عراق به ۴۸۳۳ دلار رسید.

هر چند اقتصاد عراق و سهم شهروندان عراقی از تولید ناخالص داخلی در سال‌های بعد از ۱۳۹۳ کاهش پیدا کرده، اما سال ۱۳۹۶ یعنی سال غلبه ارتش عراق بر داعش را می‌توان سال شکوفایی مجدد اقتصاد کشور عراق ارزیابی کرد. در این سال هم در شاخص تولید ناخالص داخلی و هم در شاخص پایه سرانه از تولید ناخالص داخلی رشد مثبت ایجاد شده است؛ به‌ویژه در پایه سرانه رشد ۱۰ درصدی مشاهده شد که نشان می‌دهد ضعف ساختاری اقتصاد عراق بیشتر به دلیل جنگ با داعش و بروز بحران در این کشور بوده است.

با این اوصاف، به نظر می‌رسد تبعات فروکش کردن تولید ناخالص داخلی در جنگ داعش، لطمه بزرگی را بر پیکره اقتصاد عراق وارد ساخته و اکنون این مسأله در جریان اعتراضات شهروندان عراقی بیش از هر زمان دیگری از سوی معترضان مورد اشاره قرار گرفته که تداوم وضعیت اقتصادی کشور با روند کنونی ممکن نمی‌باشد.

### 1-3. افزایش نرخ بیکاری، جرقه اصلی اعتراضات

یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده نرخ بیکاری، میزان اشتغال در اقتصاد است. نرخ بیکاری عبارت است از «نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال». بدیهی است که میزان اشتغال در اقتصاد نیز به میزان تولید و رشد اقتصادی بستگی دارد. هر چه رشد اقتصادی افزایش یابد، میزان اشتغال نیز به تبع آن افزایش یافته و در نتیجه نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. بنابراین، سیاست‌های اقتصادی که موجب افزایش رشد اقتصادی شوند به افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کنند و در مقابل، سیاست‌های اقتصادی که به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامند، به کاهش اشتغال و افزایش نرخ بیکاری کمک می‌کنند.

نرخ بیکاری در عراق از سال ۱۳۸۳، با ۲۵ درصد، ۱۳۸۴ با (۲۵ درصد)، ۱۳۸۵ (۱۸ درصد)، ۱۳۸۷ (۱۵/۳ درصد)، ۱۳۹۱ (۱۵/۳ درصد)، در نوسان بوده که با وجود بهبودی سال ۱۳۸۵ به بعد، در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ با تشدید بحران آوارگان و جنگ داخلی، روندی در حال افزایش را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

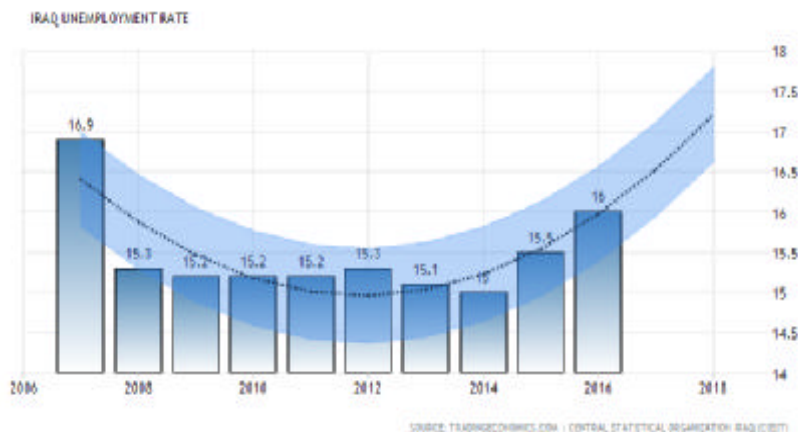
1. The World Bank in Iraq, Available at: <http://www.worldbank.org/en/country/iraq/overview>



نمودار درصد نرخ بیکاری در عراق از 1385 تا 1395

بر اساس آمارهای موجود، نرخ بیکاری در میان جمعیت جوانی کار عراق تا پیش از سال ۱۳۹۳ حدود ۱۵ درصد بوده است. این آمار در سال ۱۳۹۴ به‌رغم نگاه اصلاح‌گرایانه دولت جدید عراق به عرصه اقتصادی به دلیل شرایط ویژه این کشور در این سال، شاهد تغییرات کاهشی نبود و نرخ بیکاری به ۱۵/۵ درصد افزایش یافت. تلاش دولت «حیدر العبادی» برای ایجاد اشتغال و کاهش نرخ رو به رشد بیکاری در سال ۱۳۹۵ نیز به جایی نرسید تا در این سال نیز نرخ بیکاری رکورد ۱۶ درصد یعنی بیشترین میزان نرخ بیکاری از سال ۱۳۸۷ تا کنون را ثبت کند.

1. Iraq Unemployment Rate 1991-2017, Available at: <https://tradingeconomics.com/iraq/unemployment-rate>

نمودار پیش‌بینی روند نرخ بیکاری در عراق<sup>1</sup>

اگرچه پیروزی‌های نظامی در عرصه مقابله با داعش، دولت عراق را به بهتر شدن اوضاع اقتصادی در سال ۱۳۹۶ امیدوار کرد، اما باز هم کارشناسان از پیش‌بینی روند صعودی افزایش بیکاری در عراق در سال‌های آینده سخن به میان آوردند، تا جایی که نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۶ را ۱۶ درصد اعلام کرده‌اند.

همین مسأله در نهایت جرقه اصلی برافروختن آتش اعتراضات در ماه مهر را روشن کرد. در نتیجه شاهد بودیم که جوانان فارغ‌التحصیل بیکار که از وضعیت اقتصادی کشور به ستوه آمده بودند، در میدان تحریر دور هم جمع شدند تا صدای خود را به حکومت و مسئولان برسانند. در واقع، اکنون بیکاری و ضعف دولت در ایجاد مشاغل جدید مسأله مهمی است که به آسانی برای هر نخست‌وزیری قابل حل نیست و اکنون بخش بزرگی از جوانانی که در کف خیابان‌ها حضور دارند کسانی هستند که چیزی برای از دست دادن نداشته و ندارند.

یکی دیگر از مسائل اقتصادی که در شکل‌گیری اعتراضات مردم عراق تأثیرگذار بوده در ارتباط با بدهی‌های سنگینی دولت عراق است. عراق در سال ۱۳۹۲ به میزان ۵۹/۵ میلیارد دلار بدهی خارجی داشته است. این نرخ در سال ۱۳۹۳ نیز ۵۸/۳ میلیارد دلار بوده است.<sup>۲</sup> در این شرایط باید اقتصاد عراق را در دوران گذار و تثبیت در وضعیت متشنج دید که با

1. Iraq Unemployment Rate 1991-2017, Available at: <https://tradingeconomics.com/iraq/unemployment-rate>

2. Central Intelligence Agency CIA (18 December 2015), Iraq Fact book, Available at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/iz.html>

ناکامی دولت در ابعاد اقتصادی و سیاسی، شکنندگی بیشتر دولت در حوزه اقتصادی رخ داد و پیامد آن افول شدید اقتصادی و ناکامی دولت در فضای داخلی است.

## 2. بحران مشروعیت و کارآمدی دولت

یکی دیگر از زمینه‌های برافروخته شدن آتش اعتراضات در عراق را می‌توان در ارتباط با بحران مشروعیت و کارآمدی دولت عراق مورد ارزیابی قرار داد. در عرصه معادلات سیاسی منطقه خاورمیانه، بدون تردید باید مسئولیت اصلی تمامی تحولات را از منظری «دولت‌محور» مورد کنکاش قرار داد. واقعیت امر این است که هر نخست‌وزیری که اکنون ریاست منطقه «الخضراء» و کابینه دولت را عهده‌دار شود، فاقد مشروعیت و مقبولیت است. البته این امر را می‌بایست در ناکارآمدی تاریخی و چند دهه‌ای دولت‌های پی در پی عراق در امر حکمرانی مورد ارزیابی قرار داد که برآیند آن «بی‌اعتمادی کلان شهروندان به سیاستمداران و حکومت» است.

در واقع، اولین سطح معادله سیاسی تداوم اعتراضات کنونی کشور عراق را نباید در رخداد‌های چند سال گذشته و یا حتی بعد از سال ۱۳۸۱ بررسی کرد، بلکه اساس ماجرا را باید در آغاز تاریخ شکل‌گیری دولت عراق تا کنون دانست. کشور عراق بر اساس خواست استعماری دو قدرت پیروز در جنگ جهانی اول یعنی فرانسه و انگلستان و بدون توجه به تفاوت‌های هویتی، موقعیت جغرافیایی و موارد دیگر ایجاد شد. بعد از کشف میادین نفتی «کرکوک» در اوایل دهه ۱۳۰۹، رسماً ساختار اقتصاد رانتی بر جامعه سیاسی عراق حاکم شد. از این دوران به بعد حکومت به‌واسطه دسترسی به درآمدهای حاصل از فروش نفت، نوعی استقلال از جامعه را کسب کرد و طبقه‌ای تحت‌الحمایه را مورد پوشش خود قرار داد. همین امر موجب شد که درآمدهای نفتی به سرچشمه‌ای برای نهادینه شدن فساد اقتصادی تبدیل شود. در وضعیت پیش از سال ۱۳۸۱ نیز این امر نه تنها پایان نیافت، بلکه پس از برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی عراق و افزایش صادرات نفت این کشور به‌واسطه حضور غول‌های جهانی نفتی در این کشور، زمینه برای سوءاستفاده‌های مالی مسئولان این کشور بیشتر شد.

در مجموع، ساختار رانتیریسیم حاکم بر جامعه سیاسی عراق سطحی نهادینه از نابرابری اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را در سطح کلان جامعه عراق حاکم کرده و همین امر

در تمامی سطوح و لایه‌های جامعه نفوذ کرده است. از حیث شاخص‌هایی همچون شفافیت اقتصادی، کشور عراق همواره در زمره پایین‌ترین کشورهای جهان قرار دارد، به گونه‌ای که حتی تولید بیش از ۵ میلیون بشکه نفت در روز نیز نتوانسته التیامی به زخم‌های عمیق جامعه ببخشد. علاوه بر این، ساختار قبیله‌ای و فرقه‌ای جامعه عراق که متشکل از اعراب شیعه، اعراب سنی، کردها، ترکمن‌ها و چندین گروه قومی دیگر است، خود مستعد بحران می‌باشد. باید به این واقعیت توجه داشت که تا کنون فرآیند دولت-ملت‌سازی در عراق نهادینه نشده و در میان هر یک از گروه‌های قومی، سران عشایر و قبایلی وجود دارند که حکم آنها بر حکم قانون و دولت ارجحیت دارد.

علاوه بر بسترهای اجتماعی و سیاسی و گستره جنبش‌های اجتماعی، باید به بازیگر سومی به نام «دولت» در مسأله تداوم اعتراضات در کشور عراق نیز اشاره کرد. دولت عراق یا به عبارت بهتر، ساختار و سیستم سیاسی، از دیدگاه معترضان مهم‌ترین عامل وجود رانت، فساد، نابرابری‌های اجتماعی است که در نتیجه، درخواست تغییر مدیریت و اصلاح امور از سوی این نهاد در کانون اصلی خواسته‌های معترضان قرار گرفته است. همین مسأله مشروعیت دولت را به پایین‌تر حد ممکن تقلیل داده و شهروندان عراقی در اعتراضات خود به هیچ یک از وعده‌های سیاسیون باور و اعتماد ندارند.

در چنین وضعیتی، مسئولیت اصلی به دولت عراق یا به عبارتی پارلمان محول شده تا بتواند با در پیش گرفتن راهبرد انجام اصلاحات به خواسته‌های معترضان جامه عمل بپوشاند، اما در عمل، نه تنها دولت نتوانسته بحران را مدیریت کند، بلکه همچنان و حتی در سطحی بیشتر از «بحران ناکارآمدی» رنج می‌برد. در واقع، بعد از استعفای «عادل عبدالمهدی» در اوایل آذر ۱۳۹۸، در عمل نوعی تبادل مسئولیت‌پذیری و انتخاب جانشین، میان رئیس‌جمهور، پارلمان و به‌تازگی دادگاه عالی فدرال عراق در جریان است. در واقعیت امر، نبود دولتی کارآمد که بتواند به خواسته‌های معترضان پاسخ دهد، خود به عاملی برای تداوم اعتراضات در سطح کنونی تبدیل شده است.

### 3. تداوم تنش‌های فرقه‌ای، ایجاد داعشیم ذهنی در میان شهروندان عراقی

دیگر زمینه شکل‌گیری و تداوم اعتراضات اخیر در کشور عراق را می‌بایست از منظر روان‌شناسی اجتماعی و از منظری جامعه‌شناسانه مورد تحلیل قرار داد. در واقع، ظهور



داعش را نمی‌توان تنها تحت عنوان ظهور یک گروه تروریستی آن هم برای چند سال کوتاه مورد خوانش قرار داد، بلکه ظهور این خلافت خودخوانده و نوع تعامل گروه‌های سیاسی و هویتی مختلف را می‌توان در مقام چالشی بزرگ در روان جمعی جامعه عراق بررسی کرد.

### 3-1. ضربه‌های ظهور داعش بر پیگره ذهنی شهروندان عراقی و نهادینه شدن فرهنگ طغیان

اگر تروریسم و خشونت در گذشته در قالب پدیده‌ای پنهان و مقطعی بود، در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ در عراق، در قامت «حکومت» پدیدار شد؛ حکومتی که دارای تشکیلات سازمان‌یافته نظامی و آموزشی بود. در سرزمین‌های تحت کنترل این نیروهای تروریستی، شهروندان و به‌ویژه کودکان عراقی به جای آموزش علم، اصول ترور، خشونت و آدم‌کشی را یاد می‌گرفتند. علاوه بر این، در جریان ظهور داعش بسیاری از خانواده‌ها به‌صورت حداقلی یکی از نزدیکان خود را قربانی خشونت و افراط‌گری یافتند (چه آنان که در صف داعش بودند و چه آنان که در مقابل داعش قرار گرفتند). در این شرایط، کشور عراق در بعد جامعه‌شناختی دو آسیب بزرگ را در سطح کلان روان‌شناختی جمعی متحمل شده است. این دو آسیب عبارتند از:

**الف) روئین شدن خشونت و کشتار در سطح کلان اجتماعی؛** متعاقب حضور فراگیر و همیشگی پدیده خشونت و تروریسم در عراق بعد از سال ۱۳۸۱ و جنگ فراگیر داخلی چهار ساله در این کشور بعد از ظهور داعش، اکنون جامعه عراق در سطحی گسترده خشونت را در عریان‌ترین حالت خود تجربه کرده است. در واقع، جنگ و کشتار به امری عادی و قاعده‌ای جدایی‌ناپذیر برای مردمان عراق تبدیل شده است. برای بسیاری از شهروندان عراقی از دست دادن جان نزدیکان خود دیگر از حالت استثنا خارج شده و روان جمعی آنها برای مرگ و دیدن صحنه‌های کشتار انسانی مهیا شده است. مجموع این شرایط، آسیبی بزرگ و جبران‌ناپذیر را بر ناخودآگاه جمعی مردم تحمیل کرده است. اکنون نیز روح طغیان‌گری در درون بسیاری از شهروندان عراقی نهادینه شده و نماد آن را در حضور فراگیر و تا حدودی بدون وقفه در اعتراضات می‌توان مشاهده کرد؛ یعنی مردمی که نه از مرگ هراس دارند و نه حاضرند در مقابله با ساختار مستقر و همه‌ای به خود راه دهند.

**ب) شکل‌گیری هویت‌های منفرد و فزونی طلب مخالف‌تساها؛** اگرچه با نابودی خلافت «ابوبکر البغدادی» در ظاهر اثری از داعش باقی نخواهد ماند، اما بدون تردید حیات پدیده

داعش‌یسم تداوم خواهد یافت. بازماندن ذره‌های تفکر داعش‌یسم در روان مردمان تحت حکومت و مردمانی که در مقابل آن قرار گرفتند مهم‌ترین پدیده جامعه‌شناختی است که اکنون مردم عراق با آن مواجه هستند.<sup>1</sup> مهم‌ترین برآیند این امر را می‌توان در شکل‌گیری هویت‌های منفرد در کشور عراق مورد خوانش و تحلیل قرار داد که باوری به تساهل و صلح به معنای واقعی آن ندارند.

در واقع، زمانی که از هویت و تساهل سخن به میان می‌آید می‌توان دو سطح هویتی را مورد اشاره قرار داد: یکی هویت تک‌واره و دیگری هویت متکثر. با این شرح که هر گروه یا شخصیت سیاسی می‌تواند دو تعریف یا رویکرد نسبت به هویت داشته باشد. جریان‌هایی که هویت را بر مبنای تک‌واره آن تعریف می‌کنند، تعریفی تک بعدی و یک طرفه از هویت ارائه می‌کنند که اساس آن بر مبنای دیگر هویت‌ها می‌باشد، اما جریان‌هایی که هویت را بر اساس مبنای متکثر آن تعریف می‌کنند، تعریفی پلورال و چندگانه از هویت ارائه می‌دهند و تمایزات هویتی را به‌عنوان عاملی برای تضاد تلقی نمی‌کنند.

با نظر به این الگوی تئوریک، می‌توان حضور، ترویج و حتی مقابله با گروه تروریستی داعش در کشورهای خاورمیانه را عاملی برای برساخت هویت تک‌واره داعشی در خاورمیانه دانست؛ با این شرح که غالب گروه‌های قومی و مذهبی در این منطقه با توجه به ظهور داعش، به سمت ارائه تفسیر تک‌واره از هویت سوق پیدا کرده و هویت‌های دیگر را در نقش «دیگری»<sup>2</sup> و «دشمن» تلقی می‌کنند. در تأیید این موضوع می‌توان به دو کشور بستر ظهور داعش در منطقه یعنی سوریه و عراق اشاره کرد.<sup>3</sup>

در نتیجه غالب شدن تفکر داعش‌یسم، اکنون شهروندان عراقی به هویت‌هایی منفرد تبدیل شده‌اند که دیگر جایگاهی برای مبانی هویتی پیشین خود قائل نیستند و به‌صورت ذره‌ای در پی یافتن هویتی جدید هستند. در نتیجه این امر، خیابان‌های عراق به مأمنی برای این ذهن‌های منفرد و تک‌واره تبدیل شده که اتفاقاً در نهان خود گرایش به صلح و آشتی ندارند. حتی اگر این جامعه در شرایط کنونی نیز سرکوب شود در آینده باز هم مستعد

1. آرمان سلیمی، سایه سنگین اهریمن داعش بر عراق بعد از آزادسازی موصل، سایت خبری - تحلیلی الوقت، 26 بهمن 1395

## 2. Other

3. علی آدمی و سید احمد نکویی، نقش و جایگاه رسانه در راهبردهای گروه‌های سلفی - جهادی و تأثیر آن بر خاورمیانه، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره 13، بهار 1397، صص 320-321



خشونت و تکروری سیاسی در عرصه‌های مختلف است. در واقع، درگیر بودن غالب طبقات اجتماعی در نارضایتی‌ها و نیز فضای روانی اعتراضات به سمتی پیش رفته که چند ماه این اعتراضات تداوم یافته است. این مسیر به‌نوعی جامعه را از نظر روان‌شناختی به سوی معترض بودن همیشگی سوق می‌دهد.

### 3-2. اختلافات فرقه‌ای میان جناح‌های سیاسی

با تحولات جهانی به وجود آمده در زمینه اطلاع‌رسانی، دیگر حاکمان سیاسی عراقی نمی‌توانند همچون گذشته از یکسو چاه‌های نفتی را بفروشند و از سوی دیگر مردم در بی‌اطلاعی از وضعیت به سر ببرند. شهروندان عراقی به‌ویژه شیعیان پس از سال ۱۳۸۱ به تدریج به این امر عادت کردند که آنها به واسطه جمعیت ۶۰ درصدی‌شان بر کشور حکم می‌رانند و دیگر مسأله آنها سرنگونی دیکتاتوری مانند صدام حسین نیست. بنابراین، آنها به آرامی به این نتیجه رسیده‌اند که باید مناسبات درون گروهی خود را نیز که به‌نوعی تداوم همان وضعیت گذشته و ساختارهای معیوب نابرابری در سطح کلان جامعه عراق است، مورد انتقاد قرار دهند.

در واقع، معترضان شهرهای جنوبی و مرکز عراق که غالباً شیعیان نیز هستند، به این امر پی‌برده‌اند که فساد سیاسی، نابرابری فرصت‌های اجتماعی، رانت‌خواری، فساد اقتصادی و مشکلات دیگر در بالاترین حد ممکن خود است و دیگر تداوم چنین وضعیتی قابل پذیرش نیست. علاوه بر این، وضعیت ناآوار اشتغال، تولید و رشد اقتصادی عراق، جوانان این کشور را به سمت بی‌زاری از حاکمان رهنمون کرده است.

افزون بر این، جنگ قدرت میان جناح‌های سیاسی شیعه همانند آنچه که مقتدی صدر و طرفدارانش در اعتراضات اخیر و نیز در گذشته برای شکست دیگر جریان‌های سیاسی شیعه انجام می‌دهند، مسأله‌ای است که شعله‌های اعتراضات را بیش از پیش برافروخته است. به عبارتی دیگر، همان ساختار فرقه‌ای جامعه عراق اکنون در قالب احزاب و جریان‌های سیاسی بازتولید شده و بر پیکره دموکراسی جوان و ناهمخوان با بسترهای اجتماعی این کشور سنگینی می‌کند.

#### 4. ناتوانی نظامی و امنیتی دولت در مهار اعتراضات

یکی دیگر از ابعاد شکل‌گیری و تداوم اعتراضات در عراق را می‌توان در ارتباط با ضعف و چنددستگی نیروهای نظامی و امنیتی مورد ارزیابی قرار داد. معمولاً اقدامات نظامی می‌تواند همه اجزاء دولت را تهدید کرده و همچنین پایه‌های مادی دولت را به شدت مورد تهدید قرار دهد. حال چون تهدیدات نظامی و استفاده از زور بر علیه دولت امکان به خطر افتادن حیات آن را بالا می‌برد، معمولاً تهدیدات نظامی در برنامه‌های امنیت ملی، از بالاترین اولویت برخوردار است و تداوم تهدیدات نظامی بدون شک می‌تواند دستاوردهای چند دهه حکومت و جامعه را در عرصه‌های سیاست، هنر، فرهنگ، صنعت و زیرساخت‌های مختلف به خطر اندازد.

در این میان، منطقه غرب آسیا بیش از تمامی مناطق جهان به‌عنوان مجموعه‌ای امنیتی قابل بازشناختی است که در آن توان نظامی و امنیتی دولت‌ها از اهمیتی ویژه برخوردار است. در واقع، شکاف‌های هویتی و فرقه‌ای ناخواسته در کشورهای منطقه، همگان را در معرض تهدید و شورش اجتماعی توده‌ها قرار داده است. بنابراین، یکی از لوازم ایجاد امنیت وجود نیروهای اطلاعاتی و نظامی توانمند باتجربه برای مهار و کنترل اعتراضات و بحران‌ها می‌باشد.

در ابتدای امر، نیروهای امنیتی و نظامی عراق هیچ‌گونه ارزیابی اطلاعاتی و میدانی از امکان آغاز اعتراضات گسترده در شهرهای مختلف نداشتند و در سطح دیگر بعد از آغاز اعتراضات نیز از توان لازم برای کنترل خشونت و دامنه اعتراض‌ها برخوردار نبودند. زمانی مسأله پیچیده‌تر می‌شود که بخشی از نیروهای وابسته به مقتدی صدر، به صورت مسلح میان معترضان حضور داشتند و آماده تقابل با نیروهای امنیتی بودند. علاوه بر این، در مقاطعی نیز برخی از عشایر مسلح شهرهای مختلف عراق آماده تقابل با نیروهای امنیتی و نظامی عراق بودند.

در مجموع، نبود نیروهای نظامی یکپارچه و واحد و چنددستگی در تقسیم قدرت نظامی در بافتار قبیله‌ای کشور عراق، اکنون کنترل اعتراضات را از دست نیروهای نظامی و امنیتی کشور خارج کرده است. ضعف نیروهای نظامی و نبود تجربه در میان نیروهای پلیس برای کنترل اعتراضات خود به عاملی تبدیل شده که از یکسو، معترضان از حضور در خیابان‌ها و انجام نافرمانی مدنی در سطوح مختلف واهمه‌ای نداشته باشند و از سوی دیگر، معترضان را به تداوم حضور در خیابان‌ها ترغیب کند.

## 5. ناتوانی دولت در تأمین منابع طبیعی حیاتی

در جوامع مختلف دسترسی به منابع طبیعی و حیاتی زمینه‌ساز سامان و ثبات سیاسی بوده و به کانونی برای کنترل کشمکش‌های سیاسی بدل می‌شوند. اما در عراق، این مهم برعکس بسیاری از کشورهای دیگر نه تنها زمینه‌ساز ایجاد ثبات سیاسی نشده، بلکه به علت وجود انشقاق شدید در لایه‌های قدرت و عدم توانایی حاکمیت در بهره‌برداری درست از منابع طبیعی کشور، منابع حیاتی به یکی از عوامل نارضایتی شهروندان عراقی تبدیل شده است. شهروندان عراقی به این مسأله اشاره می‌کنند که در کشوری که روزانه حدود ۵ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند و تنها حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد، چرا خدمات عمومی و دسترسی به نیازهای اولیه نباید برای شهروندان فراهم باشد؟

در واقع، یکی از عوامل نارضایتی شهروندان عراقی در سال‌های اخیر از آن است که روزانه تنها چند ساعت به برق دسترسی دارند و معتقدند که دولت باید از درآمدهای عظیم نفتی کشور برای رفع این معضل استفاده کند. هم‌اکنون شبکه عمومی عراق به‌طور میانگین در زمستان شش ساعت در روز و در تابستان چهار ساعت برق تولید می‌کند. تنها کسانی که امکانات دارند بقیه نیاز برق خود را از طریق ژنراتورها تهیه می‌کنند. شهروندان عراقی از نبود رفاه عمومی و عدم تخصیص منابع حیاتی که از نیازهای زندگی روزمره است اعتراض دارند و همین عامل به مسأله‌ای برای آغاز اعتراضات به شکل موازی با بحران‌های اقتصادی تبدیل شده است.

اعتراضات به عدم دسترسی به منابع حیاتی را شاید بتوان جرقه ابتدایی آغاز اعتراضات فراگیر بعد از ماه آبان سال ۱۳۹۸ ارزیابی کرد. جرقه آغازین اعتراض به این موضوع از زمانی آغاز شد که در اوج گرمای تابستان ۱۳۹۸، برق وارداتی از ایران به جنوب عراق به دلیل بالا رفتن مصرف داخلی با قطعی محدود مواجه شد. در آغاز راهپیمایی محدودی در شهر بصره صورت گرفت. کاربرد خشونت از سوی دولت در کنار استمرار بحران برق و خدمات دیگر به گسترش دامنه اعتراضات منجر شد.

در اعتراضات اخیر نیز همین مسأله به‌طور محسوس در خواسته‌های معترضان مطرح می‌شود که دولت در تأمین نیازهای حیاتی برای آنها ناکام بوده است. درخواست‌های اصلی معترضان نیز چیزی جز تأمین خدمات اساسی از جمله برق، آب بهداشتی و فرصت‌های شغلی و موارد مشابه نیست. حکومت‌های عراق پس از سال ۱۳۸۱ در تأمین این خواسته‌ها



به شدت ناکام بوده‌اند. این در حالی است که عراق در این مدت از بودجه‌های عظیمی برخوردار بوده، اما گسترش فساد در بخش‌های مختلف حکومت به ناکامی در تأمین خدمات اولیه شهروندان انجامیده است.

### 6. نقش قدرت‌های خارجی در شکل‌گیری و تداوم اعتراضات

علاوه بر پنج مؤلفه‌ای که با محوریت بحران اقتصادی به‌عنوان زمینه‌های شکل‌گیری و تداوم اعتراضات سال ۱۳۹۸ در عراق بیان شد، نمی‌توان در بحران‌های غرب آسیا از نقش بازیگران و نیروهای خارجی غافل شد. هرچند نوشتار حاضر به دنبال طرح فرضیه توهم توطئه نیست، اما شواهد و مطالعات میدانی نشان می‌دهند که در اعتراضات چند سال اخیر در کل منطقه غرب آسیا همواره یک طرف داستان، هدایت نهادهای امنیتی کشورهای خارجی بوده است. در سال ۱۳۹۷ که اعتراضاتی در شهر بصره رخ داد، به شکلی واضح و با مدیریت مستقیم «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا که پیشینه‌ای امنیتی نیز دارد، مسیر اعتراضات به سمت ضدیت با جمهوری اسلامی ایران و خرابکاری علیه منافع حکومتی هدایت شد.

در اعتراضات اخیر نیز به‌وضوح در شکل‌گیری، تهییج و تداوم اعتراضات، رسانه‌های آمریکایی و عربی منطقه نقش فعالی ایفا کردند. در واقع، رسانه‌های آمریکایی و عربی همانند شبکه الحره آمریکا، شبکه‌های العربیه و الحدث عربستان، شبکه اسکای‌نیوز امارات و برخی حساب‌های کاربری در توئیتر و فیس‌بوک بر آتش اعتراضات افروختند. در سطحی دیگر، دلارهای سعودی با مدیریت آمریکا در به‌کارگیری افرادی خاص برای به‌خشونت کشیدن اعتراضات به کار گرفته شد. با این اوصاف، اکنون مسأله این است که اهداف آمریکایی‌ها و برخی کشورهای عرب منطقه همانند عربستان و امارات از شعله‌ور کردن اعتراضات در کشور عراق چیست؟ در تحلیل این موضوع می‌توان به دو فاکتور مهم اشاره کرد:

### الف) تداوم بحران به‌منظور افزایش جایگاه و تداوم نقش آفرینی در صحنه

بدون تردید مهم‌ترین هدف کشورهای خارجی به‌ویژه آمریکا و عربستان برای تداوم اعتراضات و افزوده شدن بر موج رادیکالیسم آن، تلاش برای تداوم بحران به دو منظور اصلی است: یکی اینکه آنها قصد دارند از طریق هدایت موج اعتراضات در مسیر ضدیت با ایران، نفوذ تهران را در عراق مهار کرده و به مناسبات دو کشور لطمه وارد کنند. دیگر اینکه، پس از

تصمیم نمایندگان پارلمان عراق برای اخراج نیروهای نظامی خارجی از کشورشان با محوریت نظامیان آمریکا که در ۱۵ دی ۱۳۹۸ به تصویب رسید، آمریکایی‌ها قصد دارند از هر طریق ممکن بهانه لازم برای تداوم حضور خود در کشور عراق را به دست آورند. این امر منجر به آن خواهد شد که کشور آمریکا که با موج وسیع مخالفت شهروندان عراقی مواجه شده، بتواند همچنان به حضور و نقش‌آفرینی در عراق ادامه دهد.

### ب) بهره‌برداری اقتصادی از اعتراضات مردمی

در سطحی دیگر، کشورهای خارجی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، تحت رهبری فردی سودجو و اقتصادمحور همچون «دونالد ترامپ»، در پی بهره‌برداری اقتصادی از تداوم اعتراضات عراق است. در واقع، معترضان زمینه‌ساز تمرکز دولت بر اصلاحات اقتصادی و سرمایه‌گذاری عمرانی می‌شوند و همین امر زمینه را برای ورود و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی فراهم می‌کند. این مسأله تنها در قامت استدلال و فرضیه نیست، بلکه طی چند ماه گذشته بارها استراتژیست‌ها و محققان آمریکایی این موضوع را به دولت آمریکا گوشزد کرده‌اند که باید از اعتراضات همچون یک فرصت اقتصادی بهره گیرد.

در همین زمینه، «سی آنتونی پفاف»<sup>۱</sup>، عضو ارشد مهمان در شورای اقیانوس اطلس و استاد تحقیقات استراتژیک و نظامی در انستیتوی مطالعات استراتژیک در کالج جنگ ارتش آمریکا، معتقد است که آمریکا باید در زمینه اقتصادی نهایت بهره‌برداری را از اعتراضات عراق داشته باشد. بر اساس اعتقاد او، اگر دولت عراق تصمیم بگیرد اصلاحات واقعی در زمینه اقتصادی انجام دهد، ایالات متحده باید برای ارائه تسهیلات در موفقیت و توسعه این اصلاحات، تخصص و پشتیبانی صحیحی ارائه دهد. وقتی اراده وجود داشته باشد، رشد اقتصادی به زیرساخت‌های مالی نیاز دارد که امکان جابجایی پول در سطح بین‌المللی و همچنین حسابداری از آن را در داخل کشور فراهم می‌کند. همچنین از نظر کالج جنگ ارتش آمریکا، عراق در زمینه نظارتی نیز نیازمند الزامات کارآمدتر است؛ از این‌رو، ایالات متحده آمریکا باید برای کمک به دولت آماده باشد.<sup>۲</sup>

1. C. Anthony Pfaff

2. C. Anthony Pfaff, Iraq protests: How should the government and the US respond?, 3 OCT, 2019, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/iraq-protests-how-should-iraq-and-the-us-respond/>

این امر به وضوح نشان می‌دهد که در پشت‌پرده حمایت از تداوم اعتراضات در عراق انگیزه‌های اقتصادی نیز برای آمریکا و حتی کشورهای هم‌چون عربستان وجود دارد. در واقع، تداوم اعتراضات از یکسو، روند توسعه اقتصادی در کشور عراق در مرحله پسا داعش را با تأخیر مواجه می‌کند و از سوی دیگر، زمینه‌ساز ارجاع سرمایه‌ها و بودجه بغداد به سمت توسعه عمرانی می‌شود. در این شرایط است که زمینه برای حضور و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی مهیا می‌شود.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی بررسی و پاسخ‌گویی به این پرسش بود که اعتراضات عراق دارای چه مؤلفه‌هایی هستند و هر یک از این مؤلفه‌ها چه تأثیری بر تقویت و گسترش موج اعتراضات داشته‌اند؟ در راستای پرداختن به این پرسش اساسی در نوشتار حاضر با تکیه بر نظریه امنیت «لی‌نور جی مارتین»، تحت عنوان «امنیت منطقه‌ای غرب آسیا»، چارچوبی پنج سطحی برای تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری اعتراضات در کشور عراق ارائه شد. در مقام ارائه یافته‌های پژوهش می‌توان به مسائل و محورهای زیر به‌عنوان زمینه‌های شکل‌گیری موج جدید اعتراضات در کشور عراق اشاره کرد:

اول، مهم‌ترین عامل یا به‌عبارت دیگر مهم‌ترین زمینه آغاز اعتراضات کنونی در کشور عراق را می‌توان در زمینه بحران اقتصادی و ناتوانی دولت عراق در حل مسأله رفاه و توسعه اقتصادی ارزیابی کرد. توسعه نامتوازن، بیکاری گسترده، بدهکاری دولت عراق در نتیجه جنگ داعش، ساختار اقتصادی ناسالم و فساد فراگیر سیستماتیک اقتصادی و ناهمترایی در زمینه صادرات و واردات مهم‌ترین عواملی هستند که اکنون جامعه عراق را در سطح کلان به میدانی بزرگ برای بازی معترضان تبدیل کرده است. در واقع، وضعیت کلان اقتصاد عراق به گونه‌ای است که عملاً می‌توان از دولت زمین‌گیر شده در این کشور سخن به میان آورد که توانایی پاسخ‌گویی به مطالبات اقتصادی شهروندان را ندارد.

دوم، افزون بر عامل اقتصادی، به‌عنوان موتور محرکه اعتراضات در کشور عراق، ناتوانی دولت در پاسخ دادن به مطالبات عمومی دیگر موضوعی است که از آن می‌توان به‌عنوان «بحران ناکارآمدی» و متعاقب آن، «بحران مشروعیت دولت» یاد کرد. همین مسأله موجب شده که اکثریت شهروندان عراقی دولت مستقر را در مقام نماینده فساد و ناتوانی مورد

ارزیابی قرار دهند و از اصلاح امور توسط نخست‌وزیر مستقر و کابینه او به‌نوعی ناامید باشند. همین عامل زمینه‌ای برای تداوم حضور آنها در خیابان‌های شهرهای مختلف عراق شده است.

سوم، نبود نیروی واحد نظامی و میلیتاریزه شدن دسته‌های مختلف از شهروندان عراقی در نتیجه حضور چند ساله خلافت خودخوانده داعش در شهرهای مختلف این کشور، زمینه را برای ایجاد و تقویت اعتراضات به شکل نامشروع ایجاد کرده است. واقعیت این است که یکی از الزامات ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا و متعاقب آن کشور عراق، وجود نیروی نظامی و امنیتی توانمند و یکپارچه است که کشور عراق تا حدود زیادی فاقد آن است. همین امر نیز موجب شده که نیروهای نظامی در کنترل اعتراضات ناکام باشند و همچنان شعله‌های آتش اعتراض در شهرهای جنوب و مرکز عراق شعله‌ور باشد.

چهارم، حضور چند ساله داعش در عراق فرهنگ سیاسی نامشروع و نادرستی را در اذهان شهروندان عراقی ایجاد کرده که می‌توان از آن تحت عنوان «داعش‌سیم ذهنی» یاد کرد. در واقع، حضور داعش و حکومت آن بر شهرهای مختلف کشور، شهروندان عراقی را به سمت خشونت فزاینده، یاغی‌گری و گرایش به طغیان سوق داده است. مردمانی که به مدت چهار سال هر روز با صدای جنگ و خشونت از خواب بیدار می‌شدند، اکنون به‌صورت ناخودآگاه به ایجاد خشونت و التهاب سیاسی گرایش دارند و همین امر موجب شده که اذهانی تک‌واره بر روان اجتماعی شهروندان عراقی حکومت کند که کمتر تساهل و صلح‌جویی در آن جایگاهی داشته باشد. در نتیجه، به‌رغم استعفای دولت عادل عبدالمهدی، معترضان به حضور خود در خیابان‌ها ادامه می‌دهند.

پنجم، هم‌راستا با عامل بحران و ناتوانمندی اقتصادی دولت، ناتوانی دولت در تأمین منابع حیاتی برای زندگی عادی شهروندان عراقی مسأله‌ای است که زمینه ایجاد نارضایتی کلان میان شهروندان عراقی را به همراه داشته است. نبود خدمات اجتماعی روزمره که برای بسیاری از مردمان حتی منطقه غرب آسیا امری عادی به نظر می‌رسد، موجب نارضایتی گسترده شهروندان عراقی شده است. نبود بهداشت لازم و مناسب، آب سالم، برق دائمی، امکانات آموزشی مناسب، عدم توزیع مناسب سوخت و موارد دیگر از جمله موضوعاتی هستند که شهروندان عراقی را از وضعیت نامناسب رفاه به ستوه آورده و به نظر می‌رسد در آینده نیز به آسانی قابل حل نیست و همچنان زمینه‌ساز بحران خواهد بود.

ششم، علاوه بر عوامل پنج‌گانه مورد بحث، نمی‌توان در روند شکل‌گیری، تداوم و تشدید اعتراضات در کشور عراق از نقش نیروهای خارجی به‌ویژه آمریکا و کشورهای عربی غافل شد. در واقع، موج غالب بر افکار عمومی جامعه عراق در مسیر ضدیت فراگیر با تداوم حضور، نقش آفرینی و دخالت آمریکا در امور داخلی این کشور قرار گرفته و مصوبه پارلمان عراق در ۱۵ دی ۱۳۹۸ برای اخراج نظامیان آمریکایی، مؤید این مسأله است. در چنین شرایطی، آمریکا و کشورهای عرب منطقه به‌منظور تداوم حضور در عراق قصد دارند همچنان بحران در خیابان‌های بغداد و دیگر شهرهای این کشور ادامه داشته باشد.





## منابع و مآخذ

### الف) منابع فارسی

#### 1. کتب فارسی

- جکسون، رابرت و گنورک سورنسون، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- دونرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
- عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۹.
- گریفیتس، مارتین، نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
- مارتین، لی‌نور جی، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۹.

#### 2. مقالات فارسی

- آدمی، علی و سید احمد نکویی، نقش و جایگاه رسانه در راهبردهای گروه‌های سلفی-جهادی و تأثیر آن بر خاورمیانه، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال ۴، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۷.

#### 3. سایت‌های اینترنتی

- تعریف مفاهیم اقتصادی، تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه، قابل دسترس در:  
<http://banki.ir/bank-ha/21429>
- سلیمی، آرمان، سایه سنگین اهریمن داعش بر عراق بعد از آزادسازی موصل، سایت خبری - تحلیلی الوقت،  
<http://alwaght.com/fa/News/87900>، قابل دسترس در: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

### ب) منابع لاتین

- Baker, Pauline H, Iraq as a Failed State: A Six Month Progress Report, The Fund for Peace, Washington, D.C. 2003, Available at: [www.fundforpeace.org](http://www.fundforpeace.org).
- Central Intelligence Agency CIA, Iraq Fact book, 18 December 2015, Available at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/iz.html>.
- Doyle, M. Ways of War and Peace, New York: W.W. Norton. Doyle, M., and J. Ikenberry (eds.), New Thinking in International Relations, 1997.
- Fund for peace, Fragile States Index, 2005 - 2015, Available at: [www.fundforpeace.org](http://www.fundforpeace.org).
- Hammond, A., Saudi Arabia: Cultivating sectarian spaces, The Gulf andsectarianism, European council of foreign relations, 2013.
- <http://www.tradingeconomics.com/iraq/gdp-per-capita>.
- Iraq - Gross domestic product in current prices, Available at: <https://knoema.com/atlas/Iraq/GDP>.

